

سیر دگرگونی و تکامل مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری در گذر زمان بر پایه‌ی انگاشت‌های ارتباطات و مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی

داریوش مرادی چادگانی

استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

خاطره امیری^۱

دکترای شهرسازی، کارشناس پژوهش، جهاددانشگاهی، واحد اصفهان، اصفهان، ایران

فصلنامه پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی ۲۹، زمستان ۱۴۰۲، صص ۴۳-۵۸

چکیده

مشارکت شهروندی فرایند تصمیم‌گیری‌های عمومی اثرگذار بر منافع فردی و جمعی است که بخشی از دموکراسی را در چهارچوب رابطه‌ی اعطای قدرت بین شهروندان و حکومت قرار می‌دهد. این فرایند، که در برنامه‌ریزی شهری و در جوامع توسعه‌یافته مورد توجه قرار گرفته، نیازمند بستر مناسب ارتباطی است. از طرفی شکل‌گیری آن به میزان تحقق فرایند مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی وابسته است که طی آن افراد و اجتماعات قدرت تأثیرگذاری بر محیط پیرامون خود را پیدا می‌کنند و تمرکززدایی در قدرت را به همراه دارد. از این رو، این مقاله با هدف مطالعه و تحلیل چگونگی ارتقای مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی شهری از طریق مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی در بستر ارتباطی فضای مجازی انجام شده است. به منظور دستیابی به اهداف مقاله بازمینی متون مرتبط با چهارچوب‌های مشارکت شهروندی، مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی، ارتباطات با به‌کارگیری روش تحلیل متون مدون، بر پایه‌ی روش‌های پژوهش تحلیل تفسیری-تاریخی و مقایسه‌ای زمینه‌های مشترک سه انگاشت پایه به صورت موازی بر محور زمان ساماندهی شده است. یافته‌های تحلیل‌های به‌کاررفته در این مقاله مبین ارتقای تدریجی مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی شهری در گذر زمان و در جهت دموکراتیک‌تر کردن جوامع است. افزون‌بر این گسترش امکان ارتباطات و افزایش روند تحقق مقتدرسازی اجتماعات محلی در پیشبرد این روند نقش بسزایی داشته است.

واژگان کلیدی: مشارکت شهروندی، ارتباطات، مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی، اجتماعات مجازی، برنامه‌ریزی شهری.

۱. ایمیل نویسنده مسئول: khaterehamiri1402@gmail.com

امروزه پیشرفت ارتباطات و اطلاعات توانسته بر روند زندگی افراد تأثیر بگذارد. فضای مجازی^۱ بستر ارتباطی و اطلاعاتی بسیاری از تعاملات قرار گرفته است و توانسته در برقراری و ارتقای تعاملات بین افراد تأثیر مثبتی داشته باشد. ارتباطات در فضای مجازی پویایی روابط دنیای واقعی را به همراه دارد. افزون بر این توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات به ایجاد تغییرات مثبت و چالش‌هایی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری منجر شده است. از جمله این تغییرات می‌توان به استفاده از این فضا برای مشارکت شهروندی اشاره کرد. براساس مطالعات انجام گرفته فضای مجازی توانسته ارتقای مشارکت شهروندی را همراه با پایداری با عنوان مشارکت الکترونیکی در خود جای دهد. این امر سبب ارتقای سرمایه اجتماعی و تصمیم‌سازی توسط شهروندان می‌شود. تصمیم‌سازی توسط شهروندان منوط به تفویض اختیار به آنان و تحقق فرایند مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی است. فرایند مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی فرایندی است که در طی آن افراد و اجتماعات می‌توانند بر محیط اطراف خود تأثیر بگذارند که این امر مقدمه‌ای بر انجام فرایند مشارکت در اجتماعات شناخته شده است. براین اساس، شهروندان می‌توانند بر محیط زندگی خود مؤثر باشند. انگیزه‌های برآمده از کاوش در فرایند ارتقای مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی شهری و هم‌سو بودن آن با تعاملات در فضای مجازی و فرایند مقتدرسازی به طراحی و تدبیر پرسش مقاله انجامیده است:

* چگونه فرایند مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی توسط ابزار فضای مجازی مشارکت شهروندی

1. Virtual space

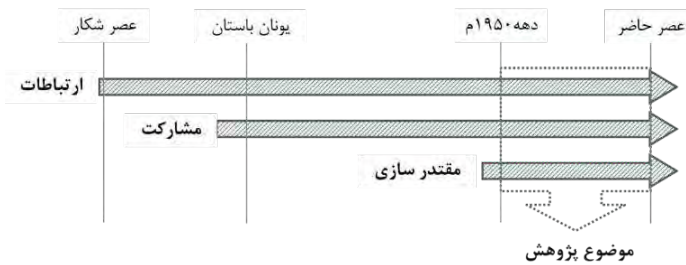
را در برنامه‌ریزی شهری ارتقا می‌دهد؟

این مقاله بر پایه یک پژوهش بنیادین استوار شده است که با مطالعه و تحلیل چگونگی دگرگونی مشارکت شهروندی در گذر زمان، در چهارچوب تحلیل‌های تاریخی، تفسیری و مقایسه‌ای و بسط ارتقای آن در برنامه‌ریزی شهری در جهت دموکراتیک‌تر کردن جوامع، زمینه‌های استفاده از ابزار فضای مجازی را ردیابی و بازنمایی و روابط علت و معلولی این دگرگونی‌ها را معرفی می‌کند. از آنجاکه دگرگونی حاصل از این سه انگاشت ریشه در دهه ۱۹۵۰ میلادی دارد، بررسی تحلیل یکپارچه سه انگاشت از این دهه آغاز شده است.

روش پژوهش

روش انجام این پژوهش بر پایه روش‌های پژوهش تحلیل تفسیری-تاریخی و مقایسه‌ای است. از نظر زمان گردآوری تاریخی بوده و به تفسیر مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی شهری پرداخته است. داده‌های به‌کارگیری‌شده در این‌گونه از تحلیل‌ها، متون مدون و شواهد تاریخی و از نوع کیفی‌اند که به مقایسه روند تحقق مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی شهری و تأثیر پیشرفت دنیای ارتباطات بر مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی در گذر زمان می‌پردازد و زمینه‌های کیفی مشترک آن‌ها را تحلیل می‌کند. روش پژوهش ساختاری-تاریخی است و با به‌کارگیری روش مطالعه اسنادی (بازبینی متون مرتبط) و تحلیل متن (استخراج نمونه‌های دگرگون‌یافته) داده‌های مناسب و شواهد تاریخی را گردآوری و در جدول زمان^۲ به‌شکلی منظم، سامان‌مند^۳ و زنجیروار به سامان می‌کند و در انتها با استفاده از روش تحلیل تطبیقی، سیر دگرگونی مشارکت شهروندی و مقتدرسازی

2. Time table
3. Systematic



نمودار شماره (۱): روند انجام پژوهش

ارتباطات غیر کلامی^۲ با ابزارهایی ابتدایی همچون دود و آتش همراه بوده است (محسنیان‌راد، ۱۳۹۱: ۱۰۰). دوم، عصر نوشتاری (۴۰۰۰ ق.م تا ۱۴۳۶ م): با اختراع حروف الفبای یونان باستان آغاز شد و توانست در برقراری ارتباط سهولت ایجاد کند (پاک‌ضمیر، ۱۳۸۷: ۲۲۱). سوم، عصر چاپ (۱۴۳۶-۱۸۸۰ م): این دوران را انقلابی در ارتباطات معرفی می‌کنند که با انتشار روزنامه و چاپ کتاب همراه می‌شود (مین، ۲۰۱۵: ۲۰۳). چهارم، عصر ارتباطات راه دور (۱۸۸۰-۱۹۵۰ م): امواج

ابزار انتقال پیام است، رادیو جهانی می‌شود و رسانه از نظر کمی اوج می‌گیرد (پاک‌ضمیر، ۱۳۷۸: ۲۲۱). پنجم، عصر ارتباطات تعاملی بر مبنای رایانه (۱۹۶۰-۱۹۹۰): در این دوره ارتباطات دوسویه و تعاملی شکل می‌گیرد که کهنکشان ارتباطات را به همراه خود دارد (ملکات و استیوز، ۱۳۹۰: ۲۳۰).

ششم، عصر ارتباطات اینترنتی (۱۹۹۰ تاکنون): فناوری اطلاعات و ارتباطات نوین^۳ به عنوان نقطه عطف بعد از صنعت چاپ در ارتباطات قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل این دوره نام‌هایی، همچون عصر اطلاعات، عصر دیجیتال و عصر اینترنت و انفجار اطلاعات را به خود گرفته است. در این دوره اینترنت به عنوان ابزار ارتباطی

اجتماعات منسجم محلی را تحت تأثیر استفاده از ابزارهای فضای مجازی در یک نمودار نشان می‌دهد.

مبانی نظری

معرفی انگاشت‌ها و سیر دگرگونی آن به منظور دستیابی به اهداف پژوهش در این قسمت، افزون‌بر تشریح مبانی نظری سه انگاشت ارتباطات، مشارکت شهروندی و مقتدرسازی اجتماعات محلی، سیر دگرگونی آن‌ها نیز به صورت تحلیلی معرفی می‌شود.

ارتباطات^۱: جریان، فرایند یا فرایند تراکنش جابه‌جایی پیام میان دو منبع گیرنده و فرستنده، مشروط بر مشابهت معنی پیام بین دو منبع است که از سه جزء فرستنده، گیرنده و محتوای پیام تشکیل شده است (محسنیان‌راد، ۱۳۹۱: ۲۳؛ پاک‌ضمیر، ۱۳۷۸: ۲۲۰). این جریان نیاز ابزاری بشر، خود در جهت برطرف‌سازی نیازهای ضروری و روزانه انسان گام برمی‌دارد که اغلب کنش‌های کوتاه‌مدت را شامل می‌شود. ماهیت ارتباطات مبین سابقه طولانی آن است که تغییر در ابزار آن سیر دگرگونی آن را در شش دوره زمانی معرفی می‌کند (افخمی، ۱۳۸۶: ۴۲؛ پاک‌ضمیر، ۱۳۸۷: ۲۱۹). نخست، عصر شفاهی (عصر حجر تا ۴۰۰۰ ق.م):

۱. در گذشته این کلمه معادل communications به معنای ارتباط مبتنی بر به‌کارگیری رسانه‌های جمعی و communication مبین ارتباط چهره‌به‌چهره بود. با گذر زمان تغییر در ارتباطات این دو واژه خصلت جایگزینی یافتند (Adler, 2009: 3).

۲. ارتباطات در دو دسته کلامی و غیرکلامی طبقه‌بندی می‌شوند که ویل دورانت عصر شکار را عصر پیام‌های غیرکلامی می‌داند.

۳. ICT=Information, Communication, Technology

به خانه‌ها راه پیدا می‌کند (کوثری، ۱۳۹۶: ۱۲؛ جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

سیر دگرگونی ارتباطات از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد (از ارتباطات سنتی تا ارتباطات مجازی):

ارتباطات در دهه ۱۹۵۰م افزون‌بر نقش انتقال پیام، شاخص در برنامه‌های توسعه و گذار از جامعه سنتی به مدرن معرفی می‌شود، به طوری که دانیل لرنر^۱ گذار از جامعه سنتی به مدرن را در وسایل ارتباطی جهت انتقال ایده‌های جدید و مدرن می‌داند. این جهش در ارتباطات و اهمیت آن، الگوی ارتباطی خطی و از بالا به پایین را با هدف رشد اقتصادی و سیاسی و توسعه زیرساخت‌ها مطرح می‌کند (سرواس و پچان، ۲۰۱۸: ۲۸؛ مصطفوی، ۱۳۹۵: ۱۰۰). اگرچه ساختار ارتباطات در دهه ۱۹۶۰میلادی بر همین روند ادامه پیدا می‌کند، اما نگرش به نقش ارتباطات مورد انتقاد قرار گرفته و محتوای پیام و معنای آن در تأثیرگذاری بر افراد مورد توجه قرار می‌گیرد، چنان‌که فریره^۲ ارتباطات مؤثر را در گفت‌وگوی متقابل و مشارکتی می‌داند (ملکات و استیوز، ۱۳۹۰: ۱۲۰). در دهه ۱۹۷۰میلادی ارتباطات دوسویه و تعاملی (ارتباطات مشارکتی^۳) مطرح می‌شود. ارتباط مشارکتی، فرایند جریان اطلاعات بین افراد و گروه‌های مرتبط بر پایه ساختار دانش و مهارت با ساختار افقی است که روابط اجتماعی را در جهت منافع جمعی و آگاهی افراد شکل می‌دهد (خانیکویی و الوندی، ۱۳۹۱: ۴۰). ادامه این روند در دهه ۱۹۸۰ میلادی بر پایه ساختارهای افقی که به شکل‌گیری و ترویج تعاملات اجتماعی کمک می‌کند، ارتباطات را پشتیبان در برنامه‌های توسعه معرفی می‌کند (ملکات و استیوز، ۱۳۹۶: ۴۰). در دهه ۱۹۹۰ میلادی با ترویج

اینترنت و راه‌یابی آن به منازل، که با معرفی فضای مجازی همراه است، ارتباطات وارد مرحله جدیدی می‌شود و انتشار این رسانه را نسبت به دیگر رسانه‌ها با ضریب بالاتری قرار می‌دهد: Baltzarek, 2015: 12; Palvi et al, 2017: 280). سهولت دسترسی به این فضا و قابلیت‌های آن از جمله کاهش بسیاری از محدودیت‌های زمانی و مکانی نقش بسزایی در حمل‌ونقل، تجارت، فرهنگ، آموزش، تعاملات و در کل روند زندگی افراد داشته است؛ از این رو، سیاست، تجارت و تعاملات وارد مرحله جدیدی می‌شود. تعاملات در فضای مجازی، متمایز از فضای سنتی در زمینه تعاملات غیررسمی، درخواستی، اتفاقی، عمومی است که نشان از ارتقای گره‌های اینترنتی و تغییر در ساختار ارتباطات به صورت شبکه‌ای است. در اوایل قرن بیست و یکم شبکه‌های اجتماعی که به دنبال تحقق اهداف فضای مجازی مبنی بر عرضه اطلاعات و ارتباطات به کاربران با قلمروزدایی بر پایه گسترش ارتباطات بوده است، ترویج پیدا می‌کند. این گونه تعاملات در درون خود ترویج رسانه شهروندی^۴ را نیز در بر دارد که در دهه دوم این قرن در قالب اجتماعات مجازی^۵ ظهور پیدا می‌کند (ردریگرز، ۲۰۰۸: ۴۹۷؛ کاستلز، ۱۳۸۹: ۴۴۰). اجتماعات مجازی، شبکه الکترونیکی خود تعریف از ارتباطات سازمانی، حول علائق و اهداف مشترک معرفی می‌شود که در پاره‌ای از موارد ایجاد و ارتقای همین ارتباط مورد هدف اجتماعات قرار می‌گیرد و ویژگی آن، تعامل بین افراد اجتماع، مکان ارتباطی و عضویت مستمر است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۴۰۱؛ بیلی و همکاران^۶، ۲۰۰۸: ۹). با تشکیل اجتماعات مجازی در درون فضاهای ارتباطی

4. Citizen media
5. Virtual community
6. Bailey

1. Daniel Lerner
2. Paulo Freire
3. Participatory Communication

جدول شماره (۱): معرفی سیر دگرگونی ارتباطات مبنی بر شیوه، ساختار، ابزار و ویژگی‌های ارتباطات از دهه ۱۹۵۰ میلادی تا کنون

دوره	ساختار ارتباطی	شیوه ارتباطات	ابزار ارتباطات	ویژگی‌های ارتباطات
دهه ۱۹۵۰	عمودی	یک‌سویه	روزنامه رادیو تلویزیون	شاخص توسعه، ارتباطات یک‌سویه از سمت نهادهای رسمی به سمت جامعه، ارتباطات ابزار ایجاد ظرفیت‌های توسعه اجتماعی
دهه ۱۹۶۰			تلویزیون رنگی	نقد جایگاه ارتباطات در توسعه و دگرگونی براساس ویژگی‌های فرهنگی و شناختی
دهه ۱۹۷۰	افقی	دو سویه	تلفن همراه	ارتباطات مشارکتی از طریق به اشتراک‌گذاری اطلاعات و ابعاد جریان اطلاعات بین افراد و گروه‌ها با تأکید بر گفت‌وگو در ارتباطات
دهه ۱۹۸۰			شبکه تلفن	ارتباطات به‌عنوان پشتیبان و حامی توسعه
دهه ۱۹۹۰	شبکه‌ای	چندسویه	اینترنت خانگی رایانامه	قلمروزدایی در ارتباطات، ترویج فضای مجازی، دگرگونی مفاهیم زمان و مکان در ارتباطات
دهه ۲۰۰۰			شبکه‌های اینترنتی - چت‌روم	ظهور شبکه‌های اجتماعی بر پایه ارتباطات در فضای مجازی
دهه ۲۰۱۰	شبکه‌ای	چندسویه	تلفن همراه هوشمند پلت فرم شبکه‌های اجتماعی	خود سازماندهی ارتباطات در شبکه‌های مجازی، شکل‌گیری اجتماعات مجازی
دهه ۲۰۲۰	شبکه‌ای	چندسویه	تلفن همراه هوشمند پلت فرم شبکه‌های اجتماعی	خود سازماندهی ارتباطات در شبکه‌های مجازی، شکل‌گیری اجتماعات مجازی

اثرگذار بر منافع فردی و جمعی است. در این فرایند بخشی از دموکراسی، در چهارچوب رابطه اعطای قدرت بین شهروندان و حکومت معنا می‌شود. از این رو، تحقق این فرایند متأثر از روابط قدرت بین حکومت و شهروندان در گذر تاریخ بوده است (هاشمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۰؛ مک‌لان، ۲۰۱۵: ۶۲۵؛ باون، ۲۰۱۵: ۱۰).

ظهور دموکراسی و مشارکت شهروندی از دولت‌شهرهای یونان باستان آغاز می‌شود. در این دوره شهروندان را افراد مؤثر در تصمیمات شهر و

ابزاری در جهت ارتقای ارتباطات و تعاملات افراد با یکدیگر براساس علایق و ویژگی‌های مشترک را، که زمینه‌ساز مشارکت افراد با یکدیگر می‌شود، فراهم می‌کند (خانیکسی و الوندی، ۱۳۹۰: ۴۹). از این رو، بررسی سیر دگرگونی ارتباطات مبنی بر کاهش محدودیت‌های ارتباطی و افزایش قابلیت تعاملات اجتماعی است. این روند مبنی بر شیوه، ساختار، ابزار و ویژگی‌های ارتباطات از دهه ۱۹۵۰ میلادی تاکنون در جدول زمانی شماره (۱) آمده است.

مشارکت شهروندی و سیر دگرگونی آن:

مشارکت شهروندی فرایند تصمیم‌گیری‌های عمومی

1. McClellan
2. Baum

به‌عنوان قانون‌گذاران و مجریان قانون در تمام مجامع سیاسی می‌دانستند (فاکس، ۱۳۹۱، ۲۹؛ شیهان، ۲۰۱۵: ۸۰). در دوره امپراتوری روم، تسلط و قدرت امپراتوری مورد توجه قرار می‌گیرد و نقش شهروندان و تسلط آنان بر امور شهر کاهش می‌یابد و مشارکت سیاسی بین نخبگان سیاسی و اشراف مشاهده می‌شود (Sheehan, 2015: 85). این روند در قرون وسطی با به دست گرفتن قدرت توسط کلیسا، پادشاه و فئودال در سیر نزولی قرار می‌گیرد و رویکرد خدامحوری، پایه و اساس تصمیمات سیاسی اجتماعی شهر می‌شود (نجاتی‌حسینی، ۱۳۹۸: ۲۸). رنسانس آغازگر دوره روشنفکری، با ظهور تفکرات اومانیسم^۲ و اندیشه ارتقای ارزش‌ها و جایگاه انسانی، نویدبخش واکنش شهروندی برای گرفتن حقوق شهروندی و مشارکت سیاسی افراد در برابر سیستم‌های حکومتی است که ارتقای جایگاه شهروندی و مشارکت شهروندی را به‌همراه دارد (Sheehan, 2015: 85).

در دوران مدرن وجود اندیشه‌های لیبرالیسم^۳ مبنی بر اصالت فرد و مارکسیسم^۴ مبتنی بر برابری اجتماعی نگاه و اگر بر تمرکززدایی قدرت دارد (اندر هی ود، ۱۳۷۹: ۱۱۷). اوایل قرن بیستم وجود انبوه کارگران و همچنین بحران‌های اقتصادی، رویکردها را بر پایه تمرکزگرایی و اقتدارگرایی مانند فاشیسم^۵ و ناسیونالیسم^۶ در جهت حل مسائل معرفی می‌کند (عالم، ۱۳۸۵: ۱۵۱). بعد از جنگ جهانی دوم دیدگاه‌های مشارکت شهروندی بر پایه اندیشه‌های سیاسی در سطوح مختلف قرار می‌گیرد که بر برنامه‌ریزی شهری مؤثر است.

مشارکت شهروندی و تأثیر آن بر برنامه‌ریزی شهری از دهه ۱۹۵۰ میلادی تاکنون:

بعد از جنگ جهانی دوم با پدید آمدن توده کارگران فقیر در کنار انباشت ثروت قدرتمندان پایه‌های لیبرالیسم کلاسیک متزلزل شد و لیبرال دموکراسی شکل گرفت (حلبی، ۱۳۷۵: ۱۳۶). این اندیشه اجازه مداخله اقتصادی دولت را در کاهش نابرابری‌های اجتماعی و افزایش رفاه و شادی شهروندان در قالب دولت رفاه فراهم و تمرکزگرایی را در مباحث برنامه‌ریزی شهری مطرح می‌کند (فولادیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

دهه ۱۹۵۰ میلادی برنامه‌ریزی عقلانی جامع^۷ بر پایه نظریات نهادباور با رویکرد از بالا به پایین و جبرباورانه به دنبال برنامه‌ریزی کالبدی و تدقیق نقشه‌ها مطرح می‌شود (دانشپور، ۱۳۹۴: ۱۴۸). اگرچه با تصویب قانون نوسازی شهری در انگلستان ۱۹۵۴م مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی شهری به صورت قانونی و رسمی وارد می‌شود، اما با توجه به ماهیت برنامه‌ریزی در این دوره توجه به مشارکت شهروندی کمتر است. به دنبال تصویب قانون نوسازی شهری در انگلستان، در دهه ۱۹۶۰م، ویژگی‌های دموکراسی و حقوق شهروندی به ویژه مشارکت شهروندی در تصمیم‌گیری‌ها و تلاش در جهت افزایش دموکراسی و مشارکت شهروندان بازبینی می‌شود (Sheehan, 2015: 90). از عمده دلایل آن می‌توان به شکست در پروژه‌های برنامه‌ریزی شهری همراه با نگاه‌های انتقادی بر رویکردهای پیشین از جمله دولت رفاه اشاره کرد (فولادیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵۰). آزادی از دولت رفاه و قیود مهار برنامه‌ریزی و حاکمیت عمومی موجب تمرکززدایی در مدیریت شهری می‌شود که ریشه در لیبرال چندگانه باور دارد و برنامه‌ریزی اندک‌افزا^۸ را در این راستا معرفی می‌کند. از

1. Sheehan
2. Humanism
3. Liberalism
4. Marxism
5. fascime
6. Nationalism

7. Simple rational planning
8. Incremental planning

طرفی جنبش‌های اجتماعی از جمله جنبش سیاه‌پوستان و انقلاب دانشجویی و جنبش چپ به بازشناسایی حقوق شهروندی و مطرح‌شدن برنامه‌ریزی و کالتی^۱ منجر می‌شود و گروه‌هایی از زنان و جوانان، گروه‌های قومی و قشرهای تخصصی در جهت ایجاد نهادهای مستقل مدنی برای احقاق حقوق اجتماعی و اقتصادی ایفای نقش می‌کنند (دانشپور، ۱۳۸۹: ۲۵۲).

توجه به دسترسی برابر به منابع و برابری‌های اجتماعی برنامه‌ریزی مساوات‌خواهانه^۲ را در این دوره مطرح می‌کند. منافع مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی و شیوه‌های استفاده از نظرات عموم مردم در تهیه برنامه با انتشار گزارش اسکفینگتون^۳، که توسط «کمیته مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی» (۱۹۶۹) منتشر شد، توجه به مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی را به‌عنوان عمل آگاهانه و جمعی در قالب برنامه‌ریزی ریشه‌ای^۴ معرفی می‌کند (زینل‌زاده و قدمی، ۱۳۹۸: ۶۵؛ دانشپور، ۱۳۸۹: ۳۰۵). ارنشتاین (۱۹۶۹م) مدل نردبان مشارکت شهروندی را برپایه ساختار قدرت، که به‌موازات مباحث دموکراسی مبنی بر پایه تصمیم‌گیری‌های انسانی در امور خصوصی و عمومی است، در هشت گام^۵ معرفی می‌کند که از فریب‌کاری و مشارکت منفعل آغاز و به تفویض قدرت و کنترل به‌دست شهروندان ختم می‌شود (شریفیان ثانی، ۱۳۸۸: ۴۵).

در دهه ۱۹۷۰ میلادی با تغییر رویکردها و توجه به مشارکت شهروندی و همچنین ظهور نظریه نئولیبرالیسم^۶ با رویکرد اصالت فرد و اصالت سرمایه‌داری این حقیقت را آشکار می‌کند که مردم در پی نیازهایشان

نسبت به آنچه در اطراف آنان اتفاق می‌افتد واکنش نشان می‌دهند (باوم، ۲۰۱۵: ۱۰؛ زاهدی و رسولی، ۱۳۹۳: ۷۶) از این رو، ترویج نظریه‌های اجتماع‌محور در برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌های توسعه به راهبردهای مشارکتی با هدف مشارکت دادن افراد جامعه در مسائل و تصمیم‌گیری‌های آنان در این دهه منجر می‌شود (ملکات و استیوز، ۱۳۹۰: ۳۵۹). در سال ۱۹۷۷ میلادی مشارکت شهروندی را فراتر از بازنمایی امور و مشاوره با مردم دانسته و به‌نوعی خودمدیریتی، که سطح بالایی از مشارکت را داراست، مبدل می‌شود (سرواس و پچان^۷، ۲۰۰۸: ۲۱۵)

تحقق‌بخشی فرایند مشارکت شهروندی در سطح محلی و در پروژه‌های توسعه اجتماعات محلی مطرح می‌شود که برنامه‌ریزی رسته‌ای^۸ را در جهات توجه به اجتماعات محلی معرفی می‌کند. در تکامل این روند برنامه‌ریزی راهبردی^۹ در دهه ۱۹۸۰ میلادی با تأکید بر نقش اجتماعات محلی در کنار مشارکت شهروندی عنوان می‌شود. این نوع برنامه‌ریزی که با توجه به نیازهای اجتماع و مقبولیت آن در بین اجتماع است، با رویکرد مشارکتی به‌عنوان روش برنامه‌ریزی مطلوب معرفی می‌شود (کریم‌زاده و داوودپور، ۱۳۹۷: ۴۸)

نظریه کنش ارتباطی^{۱۰} هابرماس (۱۹۸۲م) که شیوه‌های ارتباطی را در برنامه‌ریزی شهری مؤثر می‌داند و نظریه گفت‌وگویی گیدنز^{۱۱} مبنی بر تأثیر گفتمان در حکمروایی، برنامه‌ریزی ارتباطی^{۱۲} را در دهه ۱۹۹۰م موجب می‌شود (خانکی و الوندی، ۱۳۹۰: ۴۵). در این دوره مشارکت به افراد اجازه می‌دهد که تجربه

1. Advocacy planning

2. Equity planning

3. Skeffington Report

4. Radical planning

۵. فریب‌کاری، تسکین، اطلاع‌رسانی، مشاوره، آرامش بخشیدن، شراکت و تفویض قدرت شهروندان به‌عنوان نردبان مشارکت شهروندی معرفی می‌شود.

6. Neoliberalism

7. Servas&patchanee

8. Corporate planning

9. Structural planning

10. Theorie of communicative action

11. Theorie of dialogic

12. Communicative planning

جدول شماره (۲): بررسی سیر دگرگونی انگاشت مشارکت شهروندی از دهه ۱۹۵۰ تاکنون

دوره (دهه)	رویکرد سیاسی	نظریه‌ها	نوع دموکراسی	دیدگاه به مشارکت	نوع برنامه‌ریزی شهری
۱۹۵۰	دولت رفاه بر پایه لیبرال دموکراسی	نهادباور	مدرن	ابزاری	جامع
۱۹۶۰	سقوط دولت رفاه	فردباور			پسامدرن
۱۹۷۰	نئولیبرالیسم		رسته‌ای، پویش مختلط، مارکسیستی		
۱۹۸۰			راهبردی، ساختاری		
۱۹۹۰			ارتباطی، همکارانه		
۲۰۰۰	نئولیبرالیسم افراطی		ارتباطی، همکارانه، پیشابندی		
۲۰۱۰					
۲۰۲۰					

فرایند مشارکت شهروندی شده است، به نحوی که مشارکت‌کنندگان به صورت خودمختار و بدون سانسور و در شرایط برابر و فضای آگاه و عمومی با دسترسی آسان در جهت دموکراتیک‌تر کردن جوامع گام برمی‌دارند (Aristeidou et al, 2017: 628).

از این رو، تحقق مشارکت شهروندی نه به صورت تجویز و توصیف، بلکه نیازمند بررسی روابط میان برنامه‌ریزان، مدیران و شهروندان است و تخصیص قدرت میان مدیران و شهروندان در تصمیم‌گیری‌هاست (رفیعیان و معروفی، ۱۳۹۰: ۳۰). بررسی سیر دگرگونی فرایند مشارکت شهروندی نشان از توجه به این فرایند و ارتقای تحقق‌سازی آن در برنامه‌ریزی شهری را دارد. سیر دگرگونی این انگاشت بر پایه ساختارهای سیاسی، رویکردها و تأثیر آن در نوع برنامه‌ریزی شهری همراه با بررسی دیدگاه‌ها به مشارکت شهروندی از دهه ۱۹۵۰ تاکنون در جدول زمانی شماره (۲) آمده است. **مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی:**

تصمیم‌گیری در بنگاه‌های ارتباطی را داشته باشند و به طور کامل درگیر سیاست‌ها و برنامه‌های ارتباطی شوند، به طوری که مشارکت شهروندان در امور سیاسی در جهت دموکراتیک‌تر کردن جوامع رکن چهارم حکومت معرفی می‌شود (سرواس و پچان، ۲۰۰۸: ۲۲۵؛ آریستد و همکاران، ۲۰۱۷: ۶۲۵). ادامه این روند در قرن بیست و یکم همراه با تحولات در ارتباطات، مشارکت الکترونیکی را با هدف کاستن فاصله حکومت و مردم و پخشایش قدرت، از طریق گفت‌وگوی الکترونیکی، به واسطه فضای مجازی میان شهروندان و حوزه سیاست، برای رسیدن به مشارکت فعال شهروندان و تعریف راه‌های جدید مشارکت سیاسی شهروندان معرفی می‌کند (اولیوریا و همکاران، ۲۰۱۸: ۴۴؛ بلوکات و برک‌پور، ۱۳۹۳: ۲۲۰)

استفاده از فضای مجازی در جهت افزایش دسترسی به منابع و وجود قابلیت‌هایی همچون شبکه‌های اجتماعی و اجتماعات مجازی موجب ارتقا در تحقیقاتی

1. Oliveria et

است که طی آن افراد و اجتماعات می‌توانند قدرت تأثیر در تغییر زندگی خود و محیطشان را پیدا کنند. این مفهوم ریشه در واژه قدرت دارد و فرایند تحقق آن در سه سطح تحلیل فردی، سازمانی و اجتماع منسجم محلی بر رویکردهای ساختارهای قدرت در هر جامعه قرار می‌گیرد و به افراد قدرت تسلط را بر شرایط می‌دهد (شکیل احمد و ابوطلیب^۱، ۲۰۱۴: ۱۰۴۲؛ لازارو و تری^۲، ۲۰۱۹: ۲۵۶)

رابطه تنگاتنگ مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی با قدرت و محوریت اجتماعی به‌دنبال اعمال قدرت اجتماعی است که با آگاهی‌بخشی به افراد، گروه‌ها و اجتماع منسجم محلی از شرایط نابرابر، فقدان نفوذشان در نظام مسلط و بی‌توجهی به نیازهایشان در جامعه بزرگ‌تر آغاز می‌شود و به‌عنوان مشارکت دموکراتیک در اجتماع معرفی می‌شود (ملکات و استیوز، ۱۳۹۰: ۳۸۵). با شروع برنامه‌های توسعه با رویکرد نوآوری از دهه ۱۹۵۰ میلادی مقتدرسازی، به‌دنبال اعطای قدرت به دولت و نهادهای واسط در جهت ارتقای اقتصادی است که با شروع نگاه‌های انتقادی در دهه ۱۹۶۰م، نگاه‌های جبرگرایانه و مادی‌گرا به رویکردهای اجتماع‌محور تغییر می‌کند (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۸؛ ملکات و استیوز، ۱۳۹۰: ۴۰۰). این درحالی است که در دهه ۱۹۷۰ میلادی برنامه‌های توسعه آموزش و آگاهی شهروندان را در کنار موضوعات مشارکتی و اجتماع‌محور مورد توجه قرار می‌دهد و در جهت تحقق فرایند مشارکت شهروندی در بعد اجتماع محلی به معرفی رهیافت مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی با تأکید بر پخشایش قدرت در جهت تصمیم‌سازی توسط شهروندان در دهه ۱۹۸۰ میلادی می‌انجامد (ملکات و استیوز، ۱۳۹۰: ۴۶۴). تحقق

این امر سبب تغییر سلسله‌مراتب عمودی قدرت به پخشایش قدرت در سطح محلی می‌شود و به ساختارهای ارتباطی نهادی تغییر شکل می‌دهد که گامی مؤثر در جهت حکمروایی خوب و ارتقای دموکراسی برمی‌دارد. توجه به این روند و تحقق آن در دهه ۱۹۹۰ میلادی همراه با گسترش فضای مجازی و کاهش محدودیت‌های ارتباطی، با رویکرد دسترسی برابر به منابع تسهیل پیدا می‌کند (برک‌پور و بلوکات، ۱۳۹۳: ۲۰۶).

در قرن بیست و یکم، چهار زمینه افزایش مشارکت و فراگیری اقشار مختلف، افزایش شفافیت و اطلاعات، تقویت ظرفیت گروه‌های جامعه مدنی برای اقدام، افزایش پاسخگویی دولت و سازمان‌های غیردولتی به شهروندان از عوامل مؤثر در فرایند مقتدرسازی اجتماعات محلی معرفی می‌شوند (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۸: ۴۷).

ترویج مشارکت الکترونیکی و شبکه‌های اجتماعی و به‌دنبال آن اجتماعات مجازی، در دو دهه اخیر، روند پخشایش قدرت را به‌همراه داشته است. مشارکت الکترونیکی با هدف گسترش مشارکت و پشتیبانی از شهروند فعال، تمرکززدایی قدرت را به‌دنبال ارتقای دموکراسی و مشارکت شهروندان در جهت تصمیم‌سازی‌ها و دسترسی برابر به منابع مقتدر می‌سازد و شبکه‌های اجتماعی و اجتماعات مجازی رسانه‌های شهروندی در تحقق فرایند مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی معرفی می‌شوند (سبویس^۳، ۲۰۱۸: ۲۳؛ پروال و همکاران^۴، ۲۰۱۶: ۲)

به رسانه شهروندی، با مفهومی برآمده از مقتدرسازی و پخشایش قدرت، بیش از هر رسانه دیگری توجه شده است و دسترسی آسان به این رسانه تشکیل روابط

3. Suebvises
4. Porwal, et, al

1. Shakil ahmad&Abotalib
2. Lazaro&they

قدرت را به همراه دارد. قدرتی که توسط شهروندان، به عنوان کنشگران اجتماعی، از طریق فعالیت در ساخت هویت و شرکت در تغییر محیط اجتماعی خود به وجود می آید. رسانه شهروندی باعث شناخت بهتر افراد از خود و از اجتماع آنان می شود. از این رو، افراد را در برابر جریانات سیاسی و اجتماعی مقتدر می کند و در حوزه عمومی مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی را به همراه دارد (خانیک و الوندی، ۱۳۹۰: ۴۲؛ ردیگرز، ۲۰۰۸: ۱۲۸). بررسی روند تحقق فرایند مقتدرسازی مبین حرکت به سمت تمرکززدایی قدرت و تفویض قدرت شهروندان در جوامع توسعه یافته است. بررسی روند دگرگونی این انگاشت بر پایه پخشایش قدرت، مقیاس تحقق فرایند و بعد مقتدرسازی در جدول زمانی شماره (۳) از دهه ۱۹۵۰ میلادی تاکنون عنوان شده است.

بحث: تحلیل یکپارچه ارتباطات، مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی، مشارکت شهروندی (از دهه ۱۹۵۰م تاکنون):

سیر تاریخی ارتباطات مبین بیشینه آن در جهت رفع نیازهای ابزاری انسان و ایجاد تعاملات است. تعاملاتی که بخشی از آن را مشارکت شهروندان تشکیل می دهد؛ بنابراین ارتباطات بستری در جهت تحقق فرایند

مشارکت شهروندی است. تحقق این فرایند در جهت مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی و مشارکت فعال در طول زمان با توجه به رویکردهای سیاسی و اجتماعی در سطوح مختلف قرار گرفته است. در پی ویرانی های بعد از جنگ جهانی دوم رویکرد نوبوری، ارتباطات را شاخص توسعه در دهه ۱۹۵۰ میلادی معرفی می کند. ارتباطاتی که بر ساختار عمودی و بر پایه یک سویه بنا شده است. این در حالی است که دولت رفاه بر پایه نگرش سیاسی لیبرال دموکراسی به دنبال مقتدرسازی اقتصادی برای رفع مشکلات جامعه است. وجود قدرت متمرکز در کنار اندیشه های نهادباورانه، برنامه ریزی جامع شهری را، که به دنبال تدقیق نقشه و برنامه ریزی کالبدی است و توجه کمتری به مشارکت شهروندی دارد، مطرح می کند. نادیده گرفتن مشارکت شهروندی و حقوق شهروندان در پی آگاهی آنان از طریق رسانه ها، جنبش های اجتماعی را به موازات سقوط دولت رفاه در دهه ۱۹۶۰ میلادی به همراه دارد (فولادیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۶).

با تغییر در نگرش های اجتماعی و سیاسی، جایگاه باورهای نهادی و تمرکزگرایی قدرت در برنامه ریزی شهری و برنامه های توسعه افول پیدا می کند. از این رو، جایگاه مشارکت شهروندی در برنامه ریزی شهری

جدول شماره (۳): بررسی سیر دگرگونی انگاشت مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی از دهه ۱۹۵۰ تاکنون

دوره (دهه)	مقیاس تحقق فرایند	پخشایش قدرت	بعد مقتدرسازی
۱۹۵۰	در سطح ملی	میل به تمرکز در قدرت	اقتصادی
۱۹۶۰			
۱۹۷۰	در سطح اجتماعات محلی	میل به تمرکززدایی در قدرت	اجتماعی
۱۹۸۰			
۱۹۹۰			
۲۰۰۰	در سطح اجتماعات شبکه ای		اجتماعی-اقتصادی
۲۰۱۰			
۲۰۲۰			

ارتقا می‌یابد و برنامه‌ریزی اندک‌افزا در برابر نگاه سیاسی لیبرال و برنامه‌ریزی وکالتی در برابر احقاق حقوق اقلیت‌ها و برنامه‌ریزی مساوات‌خواهانه در برابر ارتقای دموکراسی و دسترسی برابر به منابع و برنامه‌ریزی ساختاری-کارکردی را در جهت توجه به اجتماعات شهری را شکل می‌دهد. در دهه ۱۹۷۰ میلادی تمرکززدایی قدرت در کنار نظریه‌های فردباورانه باعث توجه به فرایند مشارکت شهروندی در برنامه‌های توسعه شهری و برنامه‌ریزی شهری می‌شود، تاآنجا که بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و مدیریت عمومی به‌طور فزاینده‌ای بر حضور و مشارکت شهروندان در نهادهای عمومی از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد تأکید داشته‌اند.

همچنین ارتباطات مشارکتی بر پایه ساختار افقی و دوسویه با هدف استفاده نهادهای غیردولتی در جهت نتایج توسعه در این دهه معرفی می‌شود. ارتباطات مشارکتی، به‌دنبال ارتقای دموکراسی با تأکید بر گفت‌وگو را مورد توجه قرار می‌دهد. فریره (۱۹۷۹م) مشارکت شهروندی را مدل ارتباطی گفت‌وگو بر دیالکتیکی نزدیک‌بین اقوام جمعی و انعکاس آن در جهت مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی می‌داند. در این دوره، به اجتماعات منسجم محلی و خرد در برنامه‌ریزی شهری، در جهت تحقق فرایند مشارکت شهروندی، توجه می‌شود. در همین راستا، برنامه‌ریزی رسته‌ای و پویا و مختلط معرفی می‌شود (کریم‌زاد و داوودپور، ۱۳۸۷).

نگاه به فرایند مشارکت شهروندی و تحقق آن در برنامه‌ریزی راهبردی و برنامه‌ریزی ساختاری در دهه ۱۹۸۰م وجود دارد که به آگاهی شهروندان از مسائل مرتبط به پایداری شهرها بر پایه مشارکت شهروندان منجر می‌شود.

مشارکت شهروندان در سطح تصمیم‌سازی در پی فرایند مقتدرسازی اجتماعات اتفاق می‌افتد. فرایند مقتدرسازی در ابعاد خرد اجتماعی و اجتماعات منسجم محلی، که ارتقای دموکراسی را در پی دارد و گامی مؤثر برای رسیدن به حکمرانی خوب شهری است، رهیافتی را در جهت راهبرد توسعه مشارکتی مورد توجه قرار می‌دهد. ارتباطات بستر تحقق این فرایند با ساختار چندسویه و شبکه‌ای پشتیبان و حامی توسعه از این دهه به بعد شناخته می‌شود و در دهه‌های ۱۹۹۰ میلادی با ترویج اطلاعات و فناوری و راه‌یابی اینترنت به خانه‌ها و تسهیل در روند تحقق‌سازی این فرایند امکان‌پذیر می‌شود. دگرگونی ارتباطات افزون‌بر تغییر در سبک زندگی افراد، کاهش محدودیت‌های ارتباطی و افزایش دسترسی به اطلاعات و ارتباطات اجتماعی را به‌همراه دارد. با تغییر در شیوه ارتباطات و تأثیر آن بر برنامه‌ریزی شهری، در این دهه، برنامه‌ریزی ارتباطی بر پایه ارتقا در گفت‌وگو معرفی می‌شود. تغییر در نگرش‌های سیاسی به‌سمت نئولیبرالیسم افراطی تغییر در سلسله‌مراتب قدرت را به‌همراه دارد.

ادامه این روند در قرن بیست و یکم، مشارکت الکترونیکی را، که به‌دنبال کاهش فاصله مردم و حکومت و پخشایش قدرت بین آن‌هاست، در راستای ارتقای دموکراسی و مشارکت فعال معرفی می‌کند. این درحالی است که شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی و پیرو آن اجتماعات مجازی، در قالب رسانه‌های شهروندی، نیز به‌دنبال پخشایش قدرت و مقتدرسازی اجتماعات محلی‌اند. از این رو، می‌توان تمرکززدایی در قدرت را توسط ابزار فضای مجازی به‌عنوان بستر تحقق فرایند مشارکت شهروندی و مقتدرسازی در دو دهه اخیر مشاهده کرد. بررسی تطبیقی سیر دگرگونی سه انگاشت مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی و

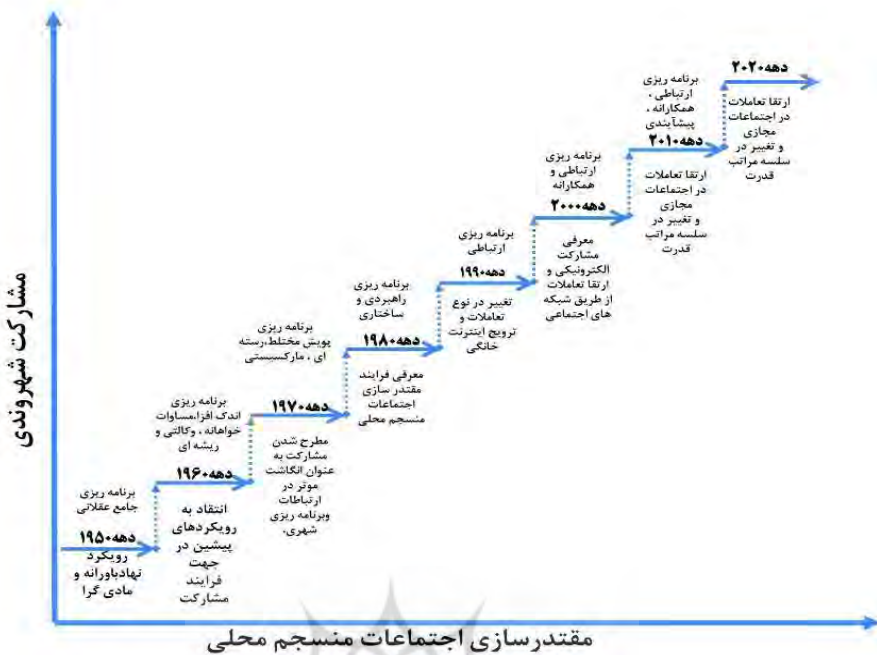
جدول شماره (۴): بررسی تطبیقی سه انگاشت مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی - ارتباطات - مشارکت شهروندی از دهه ۱۹۵۰ تاکنون

نگاشت		دوره							
		۱۹۵۰	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۱۰	۲۰۲۰
مشارکت شهروندی	رویکرد سیاسی	دولت رفاه	سقوط دولت رفاه	نئولیبرالیسم			نئولیبرالیسم افراطی		
	نظریه‌ها	نهادباور	اتم‌باور						
	نوع دموکراسی	مدرن	پست‌مدرن						
	مشارکت به مثابه	ابزار	فرایند و هدف						
	برنامه‌ریزی شهری	جامع	اندک‌افزا، مساوات‌خواهانه، وکالتی، ریشه‌ای	رسته‌ای، پوشش مختلط	راهبردی، ساختاری	ارتباطی	ارتباطی همکارانه	ارتباطی همکارانه	پیشابندی
ارتباطات	شیوه ارتباطی	یک‌سویه	دو‌سویه			چندسویه			
	ساختار ارتباطی	عمودی	افقی			شبکه‌ای			
	ابزار ارتباطی	راديو و تلویزیون	تلویزیون رنگی	تلفن همراه	شبکه تلفن	اینترنت خانگی	شبکه‌های اینترنتی	شبکه‌های اجتماعی	پلت فرم شبکه‌های اجتماعی
	ویژگی ارتباطی	شاخص توسعه	نقد جایگاه شاخص توسعه	ارتباطات مشارکتی	ارتباطات حامی توسعه	استفاده از فضای مجازی	شبکه‌های اجتماعی	اجتماعات مجازی	
	مقتدرسازی اجتماعات محلی	مقیاس تحقق فرایند	سطح ملی	سطح اجتماعات محلی			سطح اجتماعات شبکه‌ای		
پخشایش قدرت		تمرکزگرا	تمرکززدا						
ابعاد مقتدرسازی		اقتصادی	اجتماعی			اقتصادی - اجتماعی			

ارتباطات و مشارکت شهروندی مبین روابط علت و معلولی بین سه انگاشت است، به نحوی که تغییر در یکی از انگاشت‌ها دیگر انگاشت‌ها را نیز تغییر می‌دهد. بررسی تطبیقی سه انگاشت بر پایه ساختارهای تأثیرگذار در هر انگاشت از دهه ۱۹۵۰ میلادی تاکنون در جدول زمانی شماره (۴) آمده است.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

بررسی سیر دگرگونی سه انگاشت مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی و ارتباطات و مشارکت شهروندی از



نمودار شماره (۲): بررسی روند سه انگاشت مقتدرسازی اجتماعات منسجم محلی و ارتباطات و مشارکت شهروندی از

۱۹۵۰م تاکنون

برنامه ریزی تخصص محور قرار می گیرد. در این دوره، مشارکت شهروندی ابزاری برای تعادل بخشی میان منافع مورد پذیرش قرار می گیرد و لازمه و پیش شرط مشروعیت دموکراتیک شناخته و به تحقق بخشی آن توجه می شود. اجتماعات محلی بستر تحقق و فرایند مقتدرسازی لازمه آن دانسته می شود. فضای مجازی بستر این تعاملات در جهت ارتقای مشارکت شهروندی و دموکراسی تعریف می شود؛ از این رو، مشارکت الکترونیکی و مقتدرسازی اجتماعات محلی از طریق اجتماعات مجازی در جهت ارتقای مشارکت مطرح می شود و در همین راستا، مشارکت شهروندی را یکی از ارکان برنامه ریزی شهری در جوامع توسعه یافته معرفی می کند. این جوامع مشارکت شهروندی را، با توجه به سپری کردن

روند و دگرگونی رویه ها و ساختارهای اجتماعی و سیاسی، با پشتوانه قانونی و نهادی پذیرفته اند، در حالی که این فرایند در جوامع در حال توسعه و تمرکز گرا به عنوان مفهوم جدیدی شناخته می شود که تحقق آن با هدف توسعه به کشورهای در حال توسعه هدایت می شود. بنابراین مشارکت شهروندی و رسیدن به حکومت مردم بر مردم در جوامع متمرکز به مراتب با مشکلات بسیاری مواجه می شود. از طرفی با توجه به ظرفیت سازی فضای مجازی و ارتقای سطح دانش و آگاهی شهروندان، وجود شهروندان فعال، مشارکت را در این جوامع نیاز عنوان می کند که تحقق آن در سطوح اجتماعات منسجم محلی گامی در جهت توسعه این جوامع است.

منابع

۱. کاستنار، مانوئل (۱۳۸۹)، عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای (ج ۱)، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو.
 ۲. اندر هی وود (۱۳۷۹)، درآمدی برایدئولوژی سیاسی، ترجمه محمود رفیعی مهرآبادی، انتشارات تهران، وزارت امور خارجه: تهران.
 ۳. افخمی، حسین (۱۳۸۶)، «تأثیرات فناوری اطلاعات در حوزه ارتباطات جمعی روابط عمومی الکترونیک مولود رسانه‌های جدید»، فصلنامه توسعه مدیریت، شماره ۷۴، صص ۳۶-۴۷.
 ۴. برک‌پور، ناصر و بلوکات، مونا (۱۳۹۳)، «مشارکت الکترونیکی در برنامه‌ریزی و مدیریت محله‌ای»، مدیریت شهری، شماره ۳۶، تهران.
 ۵. پاک‌ضمیر، سارا (۱۳۸۷)، «تکنولوژی ارتباطی، ارتباطات در ساختار نوشتار و غیرنوشتار، رسانه‌های تکنیکی و دیجیتال کامپیوتری»، فصلنامه رسانه‌های دیداری و شنیداری، دوره ۴، شماره ۶، صص ۲۱۹-۲۳۶.
 ۶. جعفری، علی (۱۳۸۹)، «سیر تطور نظریات ارتباطات توسعه: تأکید بر پارادایم چندگانگی فرهنگ»، فصلنامه رسانه، دوره ۲۰، شماره ۴، صص ۹۷-۱۱۵.
 ۷. حلبی، علی‌اصغر (۱۳۷۵)، اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم، تهران: انتشارات اساطیر.
 ۸. خانیک، هادی و الوندی، پدram (۱۳۸۹)، «مشارکت اجتماعی آنلاین و توسعه اجتماعات محلی در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۳۹-۶۷.
 ۹. رفیعیان، مجتبی و معروفی، سکینه (۱۳۹۰)، «نقش و کاربرد برنامه‌ریزی ارتباطی در نظریه‌های نوین شهرسازی»، فصلنامه آرمان شهر، شماره ۷.
 ۱۰. زاهدی، نسا و رسولی، الهام (۱۳۹۳)، «بررسی عملکرد دولت مصر در پرتو نئولیبرالیسم و جهانی شدن اقتصاد (۱۹۸۰-۲۰۱۰)»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال ۵، شماره ۱۲.
 ۱۱. زینل‌زاده، ستار و جاهدقدمی، محمد (۱۳۹۵)، «تبیین و اولویت‌سنجی ابعاد تأثیرگذار جهت تحقق نوسازی
- مشارکتی در بافت‌های فرسوده شهری»، فصلنامه باغ نظر، سال سیزدهم، شماره ۴۳، صص ۶۱-۷۶.
۱۲. شریفی‌ناتانی، مریم (۱۳۸۰)، «مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، صص ۴۲-۵۶.
 ۱۳. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۵)، «نظریه و عمل فاشیسم»، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۱، صص ۱۱۳-۱۶۱.
 ۱۴. عبدی‌دانش‌پور، زهره (۱۳۹۴)، درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ سوم.
 ۱۵. فالکس، کیث (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
 ۱۶. فولادیان، مجید، فاطمی امین، زینب و غفاری، محمد (۱۳۸۷)، «بررسی بنیان‌های فلسفی و نحوه شکل‌گیری و عملکرد دولت رفاه از دیدگاه پوپر»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۴۱-۱۶۰.
 ۱۷. کریم‌زاده، داوود و داوودپور، زهره (۱۳۹۷)، «رویکردهای دموکراتیک در برنامه‌ریزی شهری و ظهور نظریه مجادله آب (آگونیس)»، فصلنامه مطالعات ساختار کارکرد شهری، سال پنجم، شماره ۱۶.
 ۱۸. کوثری، مسعود (۱۳۹۶)، فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی سازمان، تهران: مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
 ۱۹. محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۹۱)، ارتباطات انسانی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
 ۲۰. مصطفوی، فرحناز (۱۳۹۵)، مبانی ارتباطات و توسعه، انتشارات دانشگاه پیام نور.
 ۲۱. ملکات، سربینواس آر و لزلوی استیوز (۱۳۹۰)، ارتباطات توسعه در جهان سوم، ترجمه شعبانعلی بهرامپور، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 ۲۲. نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰)، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
 ۲۳. هاشمی، محمد، همتی، مجتبی و اسماعیل‌زاده، حسن

10. Paliva, P and N, Baqir and H, Nemati (2017): ICT for socio-Economic development. Information Management

11. Porwol, L. and A, Ojo and J, Breslin (2016): Social Software Infrastructure for e-participation. Government Information Quarterly

12. Rodriguez, C. (2008): Citizen's Media. In W. Donsbach (Ed). The International Encyclopedia of Communication Vol. II, pp: 493-500

13. Servas, J, & Patchanee, M. (2008): Development communication approach in an international perspective: sage publication.

14. Shakil Ahmad, M and A, Wahida & N, Bt. Abu Talib & I Ali Shah & M, Tahird & F, Ali Jana & M, Qaiser Saleem (2016): Barriers to empowerment: Assessment of community-led local development organizations in Pakistan. Renewable and Sustainable Energy Reviews

15. Shaki Ahmad, M. and N, Bt. Abu Talib (2014): Analysis of community empowerment on project sustainability. Published online, Springer Science, Business Media Dordrecht

16. Shakil ahmad M. and Norini Bt, A. (2014): Empowermeing local communities : decentralization, empowerment and community driven development. springer science & business media dirdrecht.

17. Sheehan, J (2015): Democracy, history of. International Encyclopedio of the Social & Behavioral Sciences volume 15

18. Sheehan, J (2015): Media and history. Internatinal Encyclopedio of the Social & Behavioral Sciences volume 15

19. Suebvises, p. (2018): Social capital, citizen participation in public administration & public sector performance in Thailand. World Development, 109, pp 236-248

(۱۳۸۹)، «حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰.

1. Aristedidou, M. and E, Scanlon. and M, Sharples, (2017): Profiles of engagement in online communities of citizen science participation. Computers In Human Behavior, 74, pp: 246-256

2. Baum, H (2015): Citizen participation. International Encyclopedia of The Social & Behavioral Sciencee. 2nd, volume 6

3. Baltzarek, F (2015): Commuication and transportation, history of. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences 2nd edition, volume 4

4. Baily, o. G, and Commaerts, B, and Carpentier, N (2008): Understanding altermative media Berkshire. open university press

5. Dholakia, u & Richard, B & Lisa, p (2004): A social influence model of consumr participation in network and small group based virtual communion. Intern, Journal of Research In Marketing, p: 241-263

6. Lazaro L.L, B and Théry N.A, M (2019): Empowering communities? Local stakeholders' participation in the clean development mechanism in Latin America. World Development, 114, pp: 254-267

7. Meyen, M (2015): Communication research and media studies history. International encyclopedia of the social & behavioral sciences 2nd edition, volume, p: 200-235

8. Mcclellan, S (2012): Planning for a postmodern: story telling, public participation, and the limits of ordinary developments

9. Naranjo zolotov, M. and T, Oliveira & F, Cruz-Jesus & J, Martins & R, Gonçalves and F, Branco and N, Xavier. (2018): Examining social capital and individual motivators to explain the adoption of online citizen participation. Future Generation Computer Systems, 4479



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی